



کمپفر، سفرنامه نویسی متفاوت

علی ططری

درآمد:

سفرنامه در حقیقت مجموعه‌ای مکتوب از مشاهدات و گزارش‌های یک مسافر است که مبتنی بر دیدگاه خاص و آرا و عقاید وی از پدیده‌های اجتماعی و اوضاع اقتصادی سیاسی یک جامعه می‌باشد. جامعه‌ای که او در مدت زمانی کوتاه شاید فقط به جزییات آن پرداخته است، جزییاتی که هر چند در نظر مورخان هم عصر سفرنامه‌نویس اهمیت چندانی ندارد، اما برای تاریخ نگاران نسل‌های بعدی به دلیل بازسازی موقعیت‌ها و مواضع سیاسی، اقتصادی و به ویژه اجتماعی و فرهنگی گذشته، از اهمیت چشمگیری برخوردار است. لذا شاید بتوان آن بخش از سفرنامه را که به مشاهدات مستقیم سفرنامه‌نویس مربوط است، سندی تاریخی به شمار آورد.^۱ از این رو تحقیق در سفرنامه و کنکاش در امتیازات آنها در پژوهش‌های تاریخی مهم به نظر می‌رسد. با این توصیف، پژوهش حاضر نیز به بررسی یکی از مهم‌ترین سفرنامه‌های عصر صفوی، نوشته‌ی انگلبرت کمپفر^۲ می‌پردازد.

درباره سازمان و اصول اداره دولت و دربار در ایران قرن هفدهم» وی لاجرم به فراگیری زبان فارسی و ترکی پرداخت که این امر موجب درک بیشتر وی از مسایل ایران بود، که یکی از امتیازات نوشته‌های او به شمار می‌آید. کمپفر در این زمینه از دستور زبان ترکی و مقاله توصیفی رافایل دومن در نوشته‌هایش استفاده کرد.^۳ وی با نگاهی تحلیلی به بررسی و توضیح مقامات دیوانی و ایالتی همچون وزیر اعظم^۴ و مستوفی^۵ و نیز نحوه اداره ایالات و شهرها^۶ و شرح کاملی از خصوصیات دربار^۷، حرمسرای شاه^۸ و... پرداخته است. از دیگر امتیازات این سفرنامه، توصیف ساختار حکومتی، اقتصادی و نظامی صفویه است. در حقیقت سفرنامه کمپفر بر خلاف سایر سفرنامه‌های این دوره، شرح مسافرت نویسنده نیست، بلکه علاوه بر درج موضوعات فوق، نگاهی تحلیلی به ایران عصر صفوی داشته است.

هر جهانگرد و سیاح خارجی که به ایران مسافرت کرده است، به دلیل برخورد با طبقات مختلف اجتماعی در یادداشت‌های خود، دیدگاه خاصی را نسبت به جامعه ایران ارایه داده است. حال این ایده و نظر تا چه حد صحیح است، نیاز به بررسی و تحقیق کامل دارد. گفتیم که کمپفر با هیاتی سیاسی وارد ایران شد، بنابراین با عموم مردم برخورد کم‌تری داشته است و نظرات وی در مورد جامعه ایران آن روزگار، برداشت کلی او از طبقه حاکم بوده است، لذا نمی‌توان نوشته‌های وی را در این زمینه به طور کامل پذیرفت. یک نمونه آن که می‌نویسد:

«از قدیم‌ترین ازمنه، ملت ایران به تحمل دلبستگی داشته است و خود این علاقه موجب شده که هر فرد ایرانی در زندگی پا را از گلیم خود فراتر بگذارد.»^۹

در صورتی که تمامی ایرانیان از نظر اقتصادی از چنین شرایطی برخوردار نبودند و این امر به نظر می‌رسد مختص طبقات بالای جامعه ایران آن زمان باشد و عمومیت ندارد. همچنین در جای دیگر آورده است که:

«چیزی که نزد ایرانیان بیش از همه موجب

شد و تا زمان دریافت خبر پذیرش خود از پایتخت (اصفهان) در همین شهر اقامت گزید. کمپفر در این مدت به بازدید از مناطق نفت‌خیز پاکو پرداخت و اولین اروپایی بود که به طور مشروح آن مناطق را توصیف کرد. هیات سوئدی در ۲۹ مارس ۱۶۸۴ سرانجام به اصفهان وارد شد.^{۱۰}

کمپفر سفرنامه نویسی متفاوت

کمپفر تقریباً هم‌زمان با مرگ شاه عباس دوم و به تخت نشستن شاه سلیمان وارد ایران شد. از همین رو توضیحی مختصر از ایران زمان شاه سابق و شرحی کامل از انتخاب و سلطنت شاه جدید (در مدت ۲۰ ماه اقامت خود در ایران) ارایه داده است. شگفت آن که ضعف و انحطاط ایران را در ابتدای حکومت شاه جدید درک و گوشزد می‌کند.^{۱۱}

کمپفر از دانشمندان و محققان اواخر قرن هفدهم آلمان بود که به دلیل علاقه فراوان به تحقیق در سوئد، که در آن زمان مأمون دانشمندان بسیاری بود، اقامت گزید. وی در ۱۶۷۶ با «محمد حسین باقر» سفیر ایران در لهستان آشنا شد و وی همچنین با بزرگان بسیاری از جمله حقوقدان برجسته پوفندرف^{۱۲} ارتباط دوستانه‌ای داشت. کمپفر در این زمان به توفیق بزرگی نایل آمد، چرا که قرار شد به توصیه پوفندرف با هیات اعزامی از سوی کارل یازدهم به ایران برود. وظیفه این هیات، ایجاد روابط تجاری با ایران و ترغیب این کشور به جنگ با ترکان عثمانی بود. بدین ترتیب برای این دانشمند آلمانی فرصت مناسبی برای انجام تحقیقات دلخواه فراهم آمد.^{۱۳}

هیات مزبور در ۱۷ دسامبر ۱۶۸۳ وارد شماخی مرکز شیروان، که در آن زمان جزو خاک ایران بود،

ملامت است، تمایل به حسادت و عیب‌جویی کردن است. آنها حسد و خرده‌گیری خود را در لفافی از چاپلوسی‌ها و چرب‌زبانی‌های متصنع و خوش‌ظاهر می‌پوشانند و از انظار مستور می‌دارند.^{۱۴} هرچند که به گفته خود کمپفر هدف او «وصف دربار ایران در نیمه دوم قرن هفدهم» است^{۱۵} اما این امر وی را از توصیف «مقابر پادشاهان هخامنشی و کاخ‌های آنها در تخت جمشید» و «آرامگاه سعدی و حافظ در شیراز»^{۱۶} باز نداشته است.

کمپفر نهایتاً از طریق شیراز به سمت خلیج فارس رهسپار شد و پس از سفر به هندوستان، جاوه و ژاپن در اواخر ۱۶۹۴ م. به وطنش بازگشت.^{۱۷}

از خصایص بارز عصر صفویه، ورود جهانگردان، مستشاران، سفراء، تجار، مبلغین مذهبی، هیأت‌های سیاسی و نظامی و به طور کلی اتباع خارجی به ایران است.

اکثر این افراد، خاطرات و شرح مسافرت خود به ایران را نوشته‌اند و همین امر موجب به وجود آمدن گنجینه‌ای عظیم در منابع دوره صفوی یعنی سفرنامه‌ها گردیده است که هر یک از درجه و اهمیت و اعتبار خاصی برخوردارند. از جمله سفرنامه کمپفر که شرح آن از نظر گذشت.

آن گونه که پیش از این گفته شد، طبق بیان کمپفر قصد وی از نگارش این سفرنامه: «وصف دربار ایران در نیمه دوم قرن هفدهم» بوده است، لذا این سفرنامه به ظاهر در زمینه بررسی تاریخ اجتماعی ایران عهد صفوی به طور عام و زمان شاه سلیمان صفوی (۱۶۶۶-۱۶۹۴ م.)^{۱۸} به طور خاص اطلاعات مبسوطی به دست نمی‌دهد، اما در واقع کمپفر ضمن بیان اوضاع سیاسی، نظامی، درباری و . . . شمایی کلی از شرایط اجتماعی را نیز بیان می‌دارد. قابل توجه این که برداشت‌های او غالباً به دلیل ارتباط مستمر با طبقه حاکم و درباریان یک سو به نظر می‌رسد؛ به ویژه آنجا که تمامی مردم ایران را اهل تجملات، ریاکار و تابع مقام می‌خواند. با وجود این، سفرنامه کمپفر توصیفی مفصل، جاندار و تا حد زیادی

قابل اطمینان از دربار شاه سلیمان در اصفهان است. از شاه و وزیر اعظم تارپیس انبار هیزم هیچ صاحب منصب یا خدمتگزار دیوانی نادیده گرفته نشده است. توصیف کمپفر از کاخ‌ها، تفرج‌گاه‌ها، اماکن مذهبی و . . . آنچنان دقیق و رسا است که حتی امروز می‌توان با استناد به آن توصیف‌ها، قسمت‌هایی از این ابنیه را که به مرور زمان از بین رفته است، تجدید بنا کرد. وی همچنین در فرازهایی از سفرنامه خود به ظلم و ستم درباریان نسبت به مردم ایران اشاره می‌کند و حکومت صفویه را مورد انتقاد شدید قرار می‌دهد. جالب این که حکومت‌های اروپایی را از این خصیصه

مستثنی ندانسته است و تأکید می‌کند که در دربارهای اروپا نیز این چنین اعمالی عجیب و غیر متعارف نیست و آنجا هم حقوق مردم پایمال می‌شود. کمپفر طی نگارش اثر خود، مضامین یادداشت‌های خود را که به آلمانی نوشته شده بود، به لاتین فصیح ترجمه می‌کرد و در عین حال از آثار درجه اول و قابل اعتماد و همچنین سفرنامه‌های دلاواله^{۱۹}، تاورنیه^{۲۰} و شاردن^{۲۱} نیز بهره‌گیری می‌نمود.^{۲۲} با این حال، با توجه به اهمیت مسایل درج شده در این سفرنامه، در استفاده و استناد به آن باید جانب احتیاط را رعایت کرد.





شاهگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

پی نوشت ها:

۱. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال هفتم، شماره ۶۵ اسفند ۱۳۸۲ و فروردین ۱۳۸۳، صص ۲ و ۳.

2. Engelbert kaempfer.

3. S. Pufendorf.

۴. انگلبرت کمپفر، سفرنامه‌ی کمپفر، ترجمه‌ی کیکاووس جهاننداری، (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳)، ج سوم، صص ۲ و ۳.

۵. همان، ص ۷.

۶. برای اطلاع بیشتر ر. ک. به: همان، صص ۵۱ و ۵۲.

۷. همان، صص ۷ و ۸.

۸. همان، ص ۷۵.

۹. همان، ص ۱۹۰.

۱۰. همان، ص ۱۵۷.

۱۱. همان، ص ۱۴۵.

۱۲. همان، ص ۲۲۱.

۱۳. همان، ص ۲۷۶.

۱۴. همان، ص ۱۷۰.

۱۵. همان، ص ۱۳.

۱۶. همان، ص ۱۱.

۱۷. همان، ص ۹.

۱۸. راجر سیوری، ایران عصر صفوی، ترجمه‌ی کامبیز عزیزی، (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۸)، ج ششم، ص ۳.

19. Dellavalle.

20. Tavernich.

21. Chardin.

۲۲. کمپفر، پیشین، ص ۱۰.